

نقش احترام متقابل زوجین بر سلامت معنوی فرزندان از منظر آموزه‌های قرآنی

انوار قائمی^۱

ام‌البین کوهستانی^۲

چکیده

سلامت معنوی فرزندان شالوده‌ی یک جامعه‌ی سالم را شکل می‌دهد، از این روی از اهمیت فراوانی برخوردار است؛ زیرا منشأ صدور اعمال پسندیده از سوی فرزندان است. در این راستا خانواده‌ها به عنوان اصلی‌ترین و مهم‌ترین نهاد متولی تربیت فرزندان، با عملکرد مناسب تربیتی خود، پایه‌های جامعه‌ی آینده را مستحکم می‌سازند. از آنجا که والدین سهم عظیمی در بالندگی فرزندان دارند، در شکل‌گیری و رشد شخصیت معنوی آنان نقش مهمی را ایفا می‌کنند، از این روی یکی از عوامل مؤثر در تربیت معنوی فرزندان، حاکمیت فرهنگ احترام متقابل زوجین در خانواده است. در این پژوهش پردازش اطلاعات، توصیفی-تحلیلی با روش کشف نقلی-وحيانی ارائه شده، و با هدف استحکام بنیان خانواده و جامعه، نقش‌های ایجابی و سلبی احترام متقابل زوجین را در سلامت معنوی فرزندان براساس آموزه‌های قرآنی نگاشته شده است. از برجسته‌ترین نقش‌های ایجابی احترام متقابل زوجین بر سلامت معنوی فرزندان می‌توان از رشد معنوی، الگویابی صحیح، افزایش عزت نفس و ایجاد آرامش روحی و روانی فرزندان نام برد. جلوگیری از اختلالات روانی و رفتاری و جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی اهم نقش‌های سلبی احترام متقابل زوجین بر سلامت معنوی فرزندان است.

واژگان کلیدی: تربیت، سلامت معنوی، احترام متقابل، خانواده، زوجین، فرزندان.

۱. دانش‌پژوه سطح ۳، گرایش تفسیر و علوم قرآنی، مدرسه علمیه تخصصی حضرت نرجس علیها السلام، زاهدان. anvar.ghaemi63@gmail.com

۲. دانش‌پژوه سطح ۴، گرایش تفسیر تطبیقی، مدرسه علمیه تخصصی حضرت صدیقه کبری علیها السلام قم. o.koohestani14@gmail.com

مقدمه

در مکتب اسلام، سلامت معنوی انسان، از مهم‌ترین عوامل شکوفایی توانایی‌های فطری او در جهت قرب الهی و رسیدن به کمال و تعالی انسان است که موجب صدور اعمال پسندیده و به عبارتی رعایت مکارم اخلاق از سوی انسان می‌گردد. هرچند همه‌ی ادیان الهی برای سلامت معنوی اهمیت ویژه‌ای قائل شده‌اند لیکن پیامبر مکرم اسلام ﷺ، اساس نبوت و رسالت خویش را تکمیل و رعایت مسائل اخلاقی دانسته‌اند و فرموده‌اند «همانا مبعوث شدم تا مکارم اخلاق را تکمیل کنم» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۱۹۹). روابط میان والدین در خانواده، که به عنوان مهم‌ترین نهاد تربیتی جامعه شناخته می‌شود، نقش کلیدی در شکل‌گیری رفتارهای مطلوب فرزندان و انتخاب سبک زندگی اسلامی ایفا می‌کند. یکی از اصول اساسی و عوامل مؤثر در رشد نهاد خانواده، احترام متقابل است. رعایت احترام در گفتار و رفتار، امری دوطرفه است و زوجین باید در تعاملات خود این اصل را مدنظر قرار دهند. هر فرد به شأن و منزلت خود اهمیت می‌دهد و از آسیب به آن رنج می‌برد. در سایه تکریم و احترام متقابل، جایگاه افراد حفظ شده و به شخصیت آنان لطمه‌ای وارد نمی‌شود. احترام زوجین به یکدیگر در واقع احترام به خودشان نیز محسوب می‌شود و هرگونه بی‌احترامی می‌تواند به کاهش مقام و منزلت آنان منجر گردد.

اختلافات و درگیری‌های آشکار زمانی به وجود می‌آید که حرمت و احترام میان زوجین نادیده گرفته شود و آنها برای یکدیگر ارزشی قائل نباشند. بنابراین، خانواده‌ی موفق و متعادل، خانواده‌ای است که در آن احترام متقابل به عنوان یک اصل بنیادین رعایت شود.

در خانواده متعادل پدر نقش تصمیم‌گیرنده و مادر نقش ایجادکننده آرامش را دارد. والدینی که در حضور فرزندان حرمت همسر را نگه نمی‌دارند در واقع نقش خود و همسر را در خانواده تخریب می‌کنند، و این خانواده در زمره خانواده متعادل قرار نمی‌گیرد. با توجه به فرهنگ قرآنی، احترام متقابل زن و مرد در محیط خانوادگی، یکی از اصول مهم خانواده متعالی است. احترام متقابل زوجین مصادیق مختلفی دارد از جمله: سلام کردن به همدیگر، رعایت ادب در برخورد با همسر، معاشرت پسندیده و نیکو (خوش خلقی، محبت و مهربانی)، قدردانی و تشکر از همسر، پرهیز از آزار همسر، مدارا، رازداری و هدیه دادن به همسر. همچنین در روایات اسلامی، توصیه‌های فراوانی درباره لزوم اکرام متقابل زوجین بیان شده است؛ زیرا باعث استحکام و ثبات در خانواده می‌شود و در نتیجه ثمرات مثبت فراوانی دارد. حال این سوال مطرح است که احترام متقابل زوجین در سلامت معنوی فرزندان چه نقشی دارد؟ براساس مطالعات اولیه، چنین به نظر می‌رسد احترام متقابل زوجین، باعث رشد معنوی و شخصیتی فرزندان، الگوپذیری صحیح، افزایش اعتماد به نفس و ایجاد آرامش روحی و روانی آنان شده و از اختلالات روانی و رفتاری و آسیب‌های اجتماعی جلوگیری می‌کند.

پیشینه پژوهشی

پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شده به صورت کلی بایسته‌های اخلاقی والدین و نقش آنان را در تربیت فرزندان بیان کرده است. پژوهش حاضر به صورت مستقل و جزئی به نقش احترام متقابل والدین و به طور خاص در سلامت معنوی فرزندان می‌پردازد.

از جمله پژوهش‌هایی که در این رابطه به نگارش درآمده می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. پناهی و شریفی (۱۳۸۸ش) در مقاله‌ی «بایسته‌های اخلاقی همسران و نقش آن در تربیت فرزندان» ابتدا وظایف اخلاقی همسران را برشمرده و سپس در قالب دو دلیل، نقش التزام همسران به وظایف اخلاقی در تربیت فرزندان را بررسی نموده است. این مقاله به خوبی وظایف اخلاقی همسران و نقش آن در تربیت فرزند را بیان داشته است؛ اما به سلامت معنوی و تأثیر آن در تربیت فرزندان پرداخته نشده است. تمایز این پژوهش، بررسی و تبیین نقش احترام متقابل زوجین در سلامت معنوی فرزندان است که جنبه‌های متعددی دارد و در پژوهش مذکور بیان نشده است.

۲. مقدادی و جوادی‌پور (۱۳۹۵ش) در مقاله «نقش والدین در ارتقای سلامت معنوی کودکان در اسلام» درصدد پاسخ به این سؤال است که شالوده و بنیان تربیت معنوی کودک چیست و اصول پیشگیری از آسیب‌های معنوی و راهکارهای تأمین سلامت معنوی در شریعت جاودانی اسلام کدامند؟ ایشان بر پایه آموزه‌های اسلامی چنین استدلال می‌کنند که هرگونه انحراف و کج‌روی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، در جهت سرکوب فطرت توحیدی می‌تواند پیامدهای زیان‌باری در روح و روان طفل ایجاد نموده و سلامت معنوی وی را مورد آسیب قرار دهد.

۳. غباری‌بناب و راقبیان (۱۳۹۶ش) در مقاله «آموزش صبر به کودکان برای ارتقای سلامت معنوی آنان» علاوه بر معرفی صبر و تشریح ابعاد آن، ضرورت آموزش این سازه به کودکان و نوجوانان برای ارتقای سلامت معنوی آنان به عنوان

راهنمایی برای والدین یادآوری کرده است. در انتها به این نتیجه رسیده که مصاحبه‌های نیمه ساختاری نشان می‌دهند صبر فواید زیادی در سلامت معنوی و ارتقای آن در کودکان دارد؛ از جمله: بازداری از رفتارهای تکانشی، جلوگیری از تصمیم‌های عجولانه، تنظیم هیجانات و دوراندیشی.

۴. شریعتی و صحرائی (۱۳۹۸ش) در مقاله‌ی «بررسی نقش والدین در تربیت

عاطفی کودک با بهره‌گیری از سیره امام رضا علیه السلام» ابتدا مقدمه‌ای درباره‌ی تربیت عاطفی کودک و نقش والدین در این خصوص، بیان داشته و سپس به جایگاه والدین در تربیت عاطفی کودک پرداخته و در پایان عوامل تربیت عاطفی از جمله عوامل تکریم و احترام متقابل را برشمرده است، اما به تأثیر این عوامل بر تربیت و سلامت معنوی فرزندان اشاره نشده است که در این پژوهش به تأثیر ایجابی و سلبی احترام متقابل زوجین بر سلامت معنوی فرزندان پرداخته شده است.

۵. ساجدی و همکاران (۱۴۰۲ش) در کتاب «سلامت معنوی کودکان با

نگرش اسلامی (قبل تولد تا ۱۲ سالگی)» در سه سطح نظری، تفصیلی برای جامعه علمی و سطح کاربردی برای والدین و کودکان برای کودکان تدوین شده که به اهم بایدها و نبایدهای سلامت معنوی در دو سال اول کودکی، از دو تا هفت سالگی و هفت تا دوازده سالگی پرداخته است.

چنانچه روشن است در پژوهش‌های انجام شده، به احترام متقابل زوجین و تأثیر آن بر سلامت معنوی فرزندان اشاره‌ای نشده که در مقاله حاضر نقش ایجابی و سلبی احترام متقابل زوجین بر سلامت معنوی فرزندان مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

الف) مفهوم شناسی

تعریف اصطلاحات مهم پژوهش حاضر به شرح ذیل است:

۱- مفهوم احترام متقابل

احترام در لغت به معنای «حرمت کردن، بزرگ داشتن، بزرگ داشتن، پاس، اکرام» (دهخدا، ۱۳۹۰ش، ج ۱، ص ۹۵) و همچنین «حرمت داشتن، تکریم و تعظیم، و بزرگواری و عزت و جلال» (فرهنگ نفیسی، ۱۳۵۵ق، ج ۱، ص ۱۰۸) است، و «الاختِرام جمع اِختِرامات» بر «بزرگداشت و احترام» دلالت دارد. «اِختِرامَ - اِختِراماً» از ریشه‌ی (حرم) همراه ضمیر «ه» به معنای «او را بزرگ داشت و به وی احترام نهاد» و در واقع «بزرگی خود را نگه داشت» (مهیار، ۱۳۷۶ش، ص ۲۰) که در پژوهش حاضر، همین معنای لغوی مدنظر است. احترام متقابل در اصطلاح احساسی مثبت از بزرگ داشتن و توجه به فرد است که شخص احترام گذارنده آن فرد را سزاوار احترام می‌داند. فردی که به شخصی احترام می‌گذارد در واقع برای آن شخص ارزش قائل شده است. این ارزش‌گذاری ممکن است خود را در رفتار و عملکرد احترام گذارنده نسبت به احترام یافته نمایان کند (موسوی و نوری، ۱۳۹۹ش، ص ۳). بنابراین، احترام متقابل به معنای ارزش‌گذاری و توجه به فرد دیگر است که نشان‌دهنده احساس مثبت و بزرگداشت او می‌باشد. این احترام در رفتار و عملکرد شخص احترام گذارنده نسبت به فرد مورد احترام تجلی می‌یابد.

۲- مفهوم سلامت معنوی

قرآن کریم، کتاب هدایت و راهنمای بشر، سلامت معنوی را به عنوان هدف اصلی انواع سلامت قرار داده است. این کتاب آسمانی، سلامت جسمانی را به عنوان ابزاری برای دستیابی به سلامت معنوی در نظر گرفته است. سلامت معنوی از حدود نیم قرن پیش به عنوان یکی از چهار بعد اصلی سلامت مورد توجه پزشکان، اندیشمندان و روان‌شناسان قرار گرفته است. این مفهوم برای نخستین بار در سال ۱۹۷۱ میلادی توسط موبرگ با عنوان بهزیستی معنوی معرفی شد (رک: یوسفی، ۱۳۹۹ش، ص ۱۶).

آموزه‌های قرآنی برای جاد شخصیت معنوی در انسان تأکید دارد. این شخصیت معنوی شامل موارد زیر است:

ایمان به خدا و معاد، درستکاری و پایبندی به اخلاق و ارزش‌های اسلامی، خوش رفتاری و نیکوکاری در برخورد با دیگران.

با تأکید بر این ابعاد شخصیتی، بیان می‌کند که این سلامت نه تنها به زندگی سالم و پربخت در دنیا کمک می‌کند، بلکه در آخرت نیز به رفاه و آسودگی منجر می‌شود. این درحالی است که در مجامع پزشکی، تعاریف متنوعی از سلامت معنوی ارائه شده است. این تعاریف عمدتاً بر این اصل تأکید دارند که با تکیه بر باورها و جنبه‌های معنوی شخص بیمار، می‌توان او را در مواجهه با بیماری‌های جسمانی تقویت کرد (همان).

تعریف‌های متعددی از سلامت معنوی صورت گرفته که از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

«سلامت معنوی به عنوان احساسی درونی و رضایت بخش همراه با ارتباطات

سازنده با خود، دیگران و وجودی متعالی تعریف می‌شود که در چهارچوب فرهنگی خاص هر جامعه شکل می‌گیرد. این مفهوم به معنادار کردن زندگی و مرگ منجر می‌شود» (فتاحی و امینی، ۱۳۹۴، ش، ص ۱۳). طبق این تعریف، سلامت معنوی فراتر از یک تعریف واحد، مفهومی چندبعدی است که در بستر فرهنگی هر جامعه شکل گرفته و به معنابخشی به زندگی و مرگ می‌انجامد.

در تعریف دیگری از آن چنین آمده که «سلامت معنوی، وضعیتی است دارای مراتب گوناگون که در آن متناسب با ظرفیت‌ها و قابلیت‌های فرد، بینش، گرایش و توانایی لازم برای تعالی روح که همان تقرب به خدای متعال است فراهم می‌باشد. به گونه‌ای که همه امکانات درونی به طور هماهنگ و متعادل می‌توانند در جهت هدف کلی مزبور به کار گرفته شوند و همراه با امکان انتخاب رفتارهای اختیاری درونی و بیرونی متناسب با آنها نسبت به خدا، فرد، جامعه و طبیعت ظهور یابند» (عزیزی، ۱۳۹۷، ش، ص ۶۰). در مجموع، سلامت معنوی به عنوان هدف اصلی زندگی انسان مطرح است که با تقویت ابعاد معنوی و اخلاقی وی، در تمامی تعاملات و رفتارهایش نمود پیدا می‌کند. به این معنا که فرد با داشتن سلامت معنوی، در تمام روابط خود با خدا، خود، دیگران و طبیعت، رفتارهای متعالی و سازنده از خود بروز می‌دهد.

در تعریف دیگری سلامت معنوی عبارت است از «وضعیتی هدفمند و معنادار از حیات انسانی که حاصل ایمان و اعتقاد و ارتباط فرد با قدرت و کمال لایتناهی الهی و زندگی ابدی پس از مرگ است. سلامت معنوی به نشاط، امید، رضایت مندی اطمینان قلبی، آرامش و داشتن قلب سلیم در فرد و رستگاری در دنیا و آخرت منجر می‌شود و ارتباط پویای مبتنی بر مکارم اخلاق، عشق و محبت

با خود، دیگران و جهان پیرامون ایجاد می‌کند» (همان). طبق این تعریف، سلامت معنوی، وضعیتی هدفمند و معنادار از حیات انسانی است که از ایمان و ارتباط با کمال الهی ناشی می‌شود و به نشاط، امید، رضایت، آرامش و رستگاری در دنیا و آخرت منجر می‌گردد.

در تعریفی جامع می‌توان گفت، «سلامت معنوی، مجموعه‌ای از باورهای صحیح به مبدا و معاد که در نفس انسان شکل گرفته و رفتار او را برای رسیدن به سعادت و سلامت ابدی تنظیم می‌کند» (یوسفی، ۱۳۹۹ش، ص ۳۸).
به طور کلی، سلامت معنوی به عنوان یک عنصر اساسی در زندگی انسان، به مجموعه‌ای از باورهای صحیح درباره مبدأ و معاد اشاره دارد که در وجود فرد شکل می‌گیرد. این باورها رفتار او را تنظیم کرده و او را در مسیر دستیابی به سعادت و سلامت ابدی هدایت می‌کنند. به همین دلیل، تقویت سلامت معنوی می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی فرد و جامعه کمک کند.

ب) نقش ایجابی احترام متقابل زوجین در سلامت معنوی فرزندان

احترام متقابل زوجین در خانواده می‌تواند تأثیرات مثبتی در سلامت معنوی فرزندان بگذارد که در ادامه به ذکر برخی موارد از جمله: رشد اخلاقی، یافتن الگویی صحیح، افزایش عزت نفس و... پرداخته می‌شود.

اول- رشد معنوی فرزندان

خانواده نخستین محیط برای آموزش و پرورش فرزندان است. فضایل اخلاقی و معنوی در این محیط رشد یافته و بخش عمده اخلاق و معنویت در خانواده

شکل می‌گیرد.

فرزندان نیز بسیاری از صفات اخلاقی و معنوی از جمله صداقت، امانت‌داری، احترام متقابل، سپاسگزاری، مهربانی، محبت، سخاوت را در محیط خانواده آموخته و این فضایل را غیر مستقیم به یکدیگر منتقل می‌کنند، زیرا بین اعضای خانواده ظهور و بروز بیشتری دارد.

پس لازم است که در روابط میان والدین به فضایل اخلاقی توجه ویژه‌ای شود تا زمینه رشد اخلاقی اعضا فراهم گردد (رک، آقامحمدی، ۱۳۹۵ش، ص ۱۱۸). بدیهی است که صفات اخلاقی که نام برده شد به ارزش وجودی انسان می‌افزاید و به او در خانواده و اجتماع جایگاه ممتازی می‌بخشد، و در زندگی آرامش بیش‌تری می‌بخشد (کیخا، ۱۳۹۸ش، ص ۱۲۶). از جمله فضایل اخلاقی، که می‌تواند باعث رشد معنوی فرزند شود خوش خلقی و رعایت ادب است.

یک- افزایش خوش خلقی

در آموزه‌های اسلامی، یکی از فضایل اخلاقی که به آن سفارش فراوان شده و سلامت معنوی در خانواده را به دنبال دارد، خوش خلقی و خوش رفتاری زوجین است. خوش خلقی زوجین باعث ایجاد محیطی مثبت و دوستانه در خانواده می‌شود که در آن افراد احساس امنیت و آرامش می‌کنند. این امر به نوبه خود موجب کاهش استرس و افزایش سلامت روان فرزندان می‌گردد. همچنین، خوش خلقی به عنوان یک ویژگی مطلوب اجتماعی، موجب جذب دوستان و ایجاد روابط سالم و پایدار می‌شود که در سلامت معنوی فرد نقش بسزایی دارد. در مقابل، بداخلاق و بدرفتاری، می‌تواند منجر به ایجاد تنش‌ها و اختلافات شود که

سلامت روان و معنوی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

از پیامبر گرامی اسلام ﷺ روایت شده که روزی جبرئیل از سوی پروردگار متعال نزد من آمد و گفت: ای محمد! بر تو باد به اخلاق نیک، که این ویژگی، خیر دنیا و آخرت را به همراه دارد، در ادامه می‌فرمایند: «أَشْبَهُكُمْ بِأَحْسَنِكُمْ خُلُقًا» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۵۰)؛ شبیه‌ترین شما به من، خوش‌خوترین شماست». بنابراین، آراسته شدن به اخلاق نیک بر هر مسلمانی لازم است، چرا که یکی از مهم‌ترین عوامل پیشرفت یا انحطاط فرد در امور مادی و کسب معنویات است (موسوی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۷۷).

رسول اکرم ﷺ در حدیثی می‌فرماید: «مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۲۱)؛ هرکس خلق او بد باشد، جانش معذب است» بنابراین واضح است که فرد بد اخلاق ابتدا به خود آسیب می‌زند و همواره در تنهایی به سر می‌برد؛ چراکه هیچ‌کس نمی‌تواند با او هم‌نشینی و دوستی کند.

پیامبر ﷺ به حسن خلق خانوادگی اهمیت فراوان داده و می‌فرماید: «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِنِسَائِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ» (نوری، ۱۴۰۸ق، ص ۲۵۵)، بهترین شما خوش‌اخلاق‌ترین شما با همسران و دخترانتان است». زوجین در یک خانواده متعالی پیامبر ﷺ را الگویی خود می‌دانند و با تبعیت از ایشان، اخلاق حسنه را شیوه خود در زندگی قرار می‌دهند و با واکاوی شاخص‌های اخلاقی خانواده متعالی در بهبود سلامت معنوی در سبک زندگی از منظر قرآن کریم، اخلاق عملی خود را به این سیره قرآنی می‌آریند. خوش‌رویی و خوش‌اخلاقی زوجین در خانواده با یکدیگر، موجب آرامش و گرمی کانون خانواده می‌شود و پایه‌های این کانون مقدس را محکم می‌سازد. از این روی کلمات زیبا و جملات محبت‌آمیز زوجین

در خانه و حتی خارج از خانه به‌تراست همیشه نو و تازه باشد و نباید گذشت ایام، روابط بین آنها را سرد و عادی کند. با رعایت این نکات افراد خانواده اگرچه به هم نزدیک و صمیمی می‌شوند، اما حصار محبت و احترام، مانع از آن می‌شود که کلمات و جملاتی نامناسب را در برخورد با یکدیگر به کار گیرند (پورمحمدی، ۱۳۹۹ش، ص ۱۳۴). والدین با احترام و تکریم متقابل در خانواده، مورد محبت و توجه سایر اعضای خانواده قرار می‌گیرند. این فضای مثبت که ناشی از حضور والدین خوش خلق است، تأثیر قابل توجهی بر آرامش روانی، اعتماد به نفس، شکوفایی و پیشرفت تمامی اعضای خانواده، به ویژه فرزندان دارد (پناهی و شریفی، ۱۳۸۸ش، ص ۱۳۰) و این نوع رفتار والدین به فرزندان هم منتقل می‌شود و در نتیجه آنان نیز با دیگران برخوردی شایسته دارند که سلامت معنوی خانواده و در پی آن سلامت جامعه تأمین می‌شود.

دو- ترغیب به رعایت ادب

ادب یکی از فضایل اخلاقی مهم در حفظ سلامت معنوی است که به معنای برخورداری از اخلاق نیکو، انجام کارهای عاقلانه و انسانی و داشتن ویژگی‌هایی است که شخصیت فرد را بزرگوار می‌سازد. به عبارت دیگر، باید هر چیزی را که برای خود نمی‌پسندیم، برای دیگران نیز نپسندیم. همان‌گونه که حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در روایتی فرمودند: «كَفَاكَ اَدْبًا لِنَفْسِكَ اجْتِنَابُ مَا تَكْرَهُهُ مِنْ غَيْرِكَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷، ص ۷۴)؛ در ادب تو همین بس که آنچه برای دیگران نمی‌پسندی، برای خود نیز نپسندی»، حضرت در روایت به شاخصه‌ی اصلی ادب اشاره دارند.

همچنین در روایتی دیگر فرمودند: «الَّذِينَ وَالْأَدَبُ نَتِيجَةُ الْعَقْلِ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۸۱۶)؛ دین و ادب نتیجه خرد است» این روایت نشان دهنده ارتباط عمیق بین دین، ادب و خرد است. به بیان دیگر، دین و ادب به عنوان دو مؤلفه اساسی در زندگی، از تفکر و عقلانیت انسان نشأت می‌گیرند. این بدان معناست که فردی که از عقل و خرد بهره‌مند است، به طور طبیعی به اصول اخلاقی و دینی پایبند خواهد بود و در رفتار خود به آداب و رسوم نیکو توجه خواهد کرد. بنابراین، رعایت ادب به بهبود روابط و سلامت معنوی افراد کمک می‌کند.

از سوی دیگر، ادب، زینت بخش خرد نیز شمرده شده است: «حُسْنُ الْأَدَبِ زِينَةُ الْعَقْلِ (کراجکی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۹۹)؛ ادب نیکو، زینت عقل است». این روایت اشاره به اهمیت و ارزش ادب در تکمیل و زیبا ساختن عقل دارد. به عبارتی، ادب نه تنها به عنوان یک ویژگی اخلاقی بلکه به عنوان یک مکمل ضروری برای عقل و خرد محسوب می‌شود. فردی که دارای ادب نیکو است، توانایی تفکر و تصمیم‌گیری بهتری خواهد داشت و می‌تواند روابط خود را به شکلی مثبت و سازنده مدیریت نماید. از این رو، افراد خردمند هرگز اقدام به انجام رفتارهای ناپسند و غیرمؤدبانانه نمی‌کنند، زیرا «کمال عقل و ادب به طور مستقیم با یکدیگر مرتبط هستند و فقدان یکی به معنای نبود دیگری است» (رک: علی‌پور، ۱۳۸۸ش، ص ۵۷) به همین دلیل، یکی از اهداف پیامبران و اولیای خدا تربیت انسان‌ها و آراستن آنها به آداب زندگی و فضیلت‌های اخلاقی برای دستیابی به سلامت معنوی بوده است. به طور خلاصه، هرچه انسان بیشتر تلاش کند تا سرمایه ادب خود را افزایش دهد، بهره بیشتری خواهد برد.

ادب، بهترین هدیه و برجسته‌ترین مصداق احترام و تکریم دیگران، به ویژه همسراست. نقش ادب در روابط میان والدین همانند نقش محافظ است که بسیاری از آسیب‌ها را رفع کرده و فرزندان را از آسیب مصون می‌دارد. استفاده از الفاظ نامناسب یا رکیک و رعایت نکردن عفت کلام، افزون بر اینکه سلامت معنوی انسان را به خطر می‌اندازد، موجب از بین رفتن صمیمیت و محبت در میان زوجین می‌گردد و آنان را نسبت به یکدیگر جسور می‌کند (رک: پناهی و شریفی، ۱۳۸۸ش، ص ۱۲۶)، در نتیجه احتمال دارد فرزندان همین رفتارها را نسبت به دیگران مرتکب شده و منش آنها خالی از ادب شود.

بنابراین ادب در گفتار و رفتار، نه تنها به عنوان یک ویژگی اخلاقی مطلوب شناخته می‌شود، بلکه از منظر روان‌شناختی نیز اهمیت بسزایی دارد. استفاده از الفاظ مناسب و محترمانه در تعاملات زناشویی، موجب تقویت احساس ارزشمندی و اعتماد به نفس در طرفین می‌گردد. این امر به نوبه خود به ایجاد محیطی مثبت در خانواده کمک کرده و به بهبود سلامت روانی و معنوی خانواده می‌انجامد.

دوم- کمک به الگویابی صحیح فرزندان

یکی از نقش‌های ایجابی احترام متقابل زوجین بر سلامت معنوی فرزندان، «کمک به الگویابی صحیح» است. به طور کلی و با بیانی ساده الگورا می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «الگو عبارت است از یک نمونه کامل و مطلوب، با صفات و ویژگی‌های مورد نظر که مربی سعی می‌کند، (فراگیر) را همانند یا همسان آن سازد» (سرفراز، ۱۳۹۷ش، ص ۵۶). از آنجایی که مشاهده و تقلید از آسان‌ترین و

نتیجه‌بخش‌ترین راه‌های یادگیری به شمار می‌آید، و ارائه نمونه از رایج‌ترین شیوه‌های آموزش و تربیت است. ارائه يك الكو و نمونه کامل که دارای هیچ‌گونه کمبود و نقصی نبوده یا لااقل کمترین کاستی را داشته باشد، به (فراگیر) این امکان را می‌دهد که با تقلید و نمونه‌سازی و یا مشاهده خصوصیات نمونه، به راحتی خود را با شرایط مورد درخواست در الگو تطبیق دهد. خواه الگوی مثبت باشد یا منفی! (ر.ک: همان). همیشه وجود الگوها و سرمشق‌های بزرگ در زندگی انسان‌ها وسیله مؤثرتری برای تربیت آنها بوده است.

قرآن نیز بر این مسأله مهم صحّه گذاشته و الگوها و سرمشق‌هایی در همه زمینه‌ها به مؤمنان معرفی می‌کند (حسن زاده، ۱۳۹۲ش، ص ۶۳)؛ از جمله در آیه «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ... (الممتحنه: ۴)؛ برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند، وجود دارد». خداوند متعال، سراسر زندگی حضرت ابراهیم عليه السلام را درس بندگی و عبودیت خدا، جهاد فی سبیل الله، و عشق به ذات پاک او بود و مؤمنانی که او را در این راه همراهی می‌کردند، هر چند قلیل و اندک بودند، به عنوان سرمشق خوبی در این زمینه معرفی می‌کند (ر.ک: مکارم شیرازی، ج ۲۴، ص ۱۸).

امام علی عليه السلام نیز پرهیزکاران را به پیروی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان بهترین الگوی هدایت‌مند سفارش فرمودند:

«انظروا اهل بيت نبيكم فالزموا سمتهم واتبعوا اثرهم فلن يخرجوكم من هدى ولن يعيدوكم في ردى؛ فان لبذوا فالبذوا وان نهضوا فانهضوا ولا تسبقوهم فتضلوا ولا تتأخروا عنهم فتهلكوا (نهج البلاغه، خطبه ۹۷)؛ به خاندان پیامبرتان بنگرید و بدان سو که می‌روند بروید و پی آنان را بگیرید که هرگز شما را از راه رستگاری بیرون نخواهند

کرد و به هلاکت تان نمی اندازند. اگر نشستند بنشینید و اگر برخاستند برخیزید. بر آنان پیشی مگیرید که گمراه می شوید و از آنان پس نمانید که تباه می گردید». حضرت به پیروان پیامبر اسلام ﷺ توصیه می کند که باید به خاندان ایشان توجه داشته باشند و پیرو مسیر آنها باشند، چرا که این خاندان همواره راه رستگاری را نشان می دهند و از انحراف و هلاکت دور نگه می دارند. در نهایت، یادآوری می کند که پایبندی به اصول دینی و پیروی از اهل بیت علیهم السلام، کلید دستیابی به رستگاری و سلامت معنوی است.

قرآن خانواده را یک مجموعه متعالی برای تأمین اهداف مقدس می داند که برای به فضیلت رساندن آن برنامه ریزی می کند. بی تردید، خانواده اولین نهادی است که اصول اخلاق فردی و اجتماعی در آن تجربه می شود و فرزندان با مشاهده رفتار اعضای خانواده آنها را می آموزند. از نظر اسلام خانه‌هایی سالم و مطلوب است که محیط آن الهی باشد و پدر و مادر با رعایت اخلاق و احترام متقابل نمونه‌ای شوند، تا فرزندان با دیدن الگوی رفتاری آنها در زندگی اجتماعی و مواجه با افراد اجتماع، از این آموزه‌های الهی بهره ببرند (نبی پور، ۱۳۹۰ش، ص ۲۱۸).

یکی از بهترین عوامل مؤثر در سلامت معنوی فرزندان، الگودهی است. والدین به عنوان نخستین الگوهای معنوی برای فرزندان، مسئولیت‌های سنگینی در این زمینه بر عهده دارند؛ مسئولیتی که به رشد فضایل اخلاقی و معنوی خودشان و در نتیجه فرزندان‌شان منجر می شود. والدین باید به عنوان نمونه‌هایی از افراد صالح و شایسته عمل کنند و خوبی‌ها را به طور عملی برای فرزندان به نمایش بگذارند تا امیال فطری آنان به رفتارهای شایسته و حسنه تبدیل شود. در صورت عدم توجه والدین، نه تنها زندگی شخصی خود را با ناپاکی‌ها آلوده می کنند، بلکه زندگی‌ای

پرزور نهنجارى را برائى فرزندان خود ترسيم خواهند كرد. شرط اساسى در اين تأثيرگذارى، برخوردارى والدين از شخصيت مطلوب و انجام رفتارهاى ارزشى است، چرا كه بدون اين ويژگى‌ها، نمى‌توانند نقش مؤثرى در الگودهى ايفا كنند (رك: فقيهى و نجفى، ۱۳۹۲ش، ص ۹).

بنابراين، والدين با نمايش رفتارهاى ارزشى و الگوبودن، نه تنها بر رشد فضائى اخلاقى خود تأثير مى‌گذارند، بلكه به سلامت معنوى فرزندان نيز كمك مى‌كنند. اميرالمؤمنين على عليه السلام نيز در اين زمينه مى‌فرمايد: «كيف يصلح غيره من لم يصلح نفسه (تميمي آمدى، ۱۴۱۰ق، ص ۵۱۷)؛ چگونه كسى كه خود صالح نگرديده است مى‌تواند ديگرى را اصلاح كند؟» در اين زمينه، هرچه والدين الگو از كمال بيشترى برخوردار باشند، دامنه تأثيرگذارى و قدرت نفوذ آنها بر فرزندان نيز بيشتر خواهد بود. علاوه بر كمال، جامعيت الگوها نيز نقش مهمى در اين تأثيرگذارى دارد. به عبارت ديگر، اگر والدين در ابعاد مختلف صلاحيت داشته باشند و در هر زمينه‌اى از فضائى اخلاقى و معنوى در بالاترين سطح برخوردار باشند، جاذبه و تأثير آنها افزايش مى‌يابد.

از سوى ديگر، فرزندان به دليل آمادگى ذهنى، سادگى و بى‌آلايشى روحى، پاكى سرشت و انگيزه‌هاى درونى، تمايل شديدى به انتخاب الگو در زندگى خود دارند و در نخستين گام، والدين را به عنوان سرمشق و الگوى خود قرار مى‌دهند. در صورتى كه الگوهاى ارائه شده شايسته نباشند و روابط عاطفى ميان والدين ضعيف باشد، اين امر مى‌تواند تأثيرات منفى و نامطلوبى بر شخصيت فرزندان بگذارد (فقيهى و نجفى، ۱۳۹۲ش، ص ۹). در نتيجه فرزندان به دليل ويژگى‌هاى ذاتى خود، والدين را به عنوان الگوانتخاب مى‌كنند و در صورت عدم شايستگى

والدین یا ضعف روابط عاطفی، این امر می‌تواند تأثیرات منفی بر شخصیت و سلامت معنوی آنها داشته باشد. وقتی یکی از والدین انجام کاری را از فرزند می‌خواهد و والد دیگر او را از همان کار باز می‌دارد و در آخر هر دو با هم مشاجره می‌کنند، فرزند دچار سردرگمی می‌شود و نمی‌داند از کدام آن‌ها تبعیت کند و در الگوگیری نیز دچار مشکل می‌شود (بابایی و علی اکبری، ۱۳۹۹ش، ص ۴۲). والدین باید بدانند که اگر می‌خواهند در مسیر کمالات انسانی گام بردارند، می‌بایست به عنوان الگوی مناسب برای فرزندان و افرادی که با آنها زندگی می‌کنند، عمل کنند و خود بر اساس سیره اسوه حسنه «رسول الله ﷺ» زندگی کنند و فرزندان خود را با آن الگوی برتر دینی آشنا کنند و ایشان را در جنبه‌های مختلف زندگی به عنوان مرجع و سرمشق قرار دهند. این نوع الگودهی والدین، زمینه‌ساز سعادت دنیوی و اخروی و دستیابی به حیات طیبه جاوید برای فرزندان خواهد بود (رک: فقیهی و نجفی، ۱۳۹۲ش، ص ۹). بنابراین احترام متقابل بین زوجین یکی از عوامل کلیدی در شکل‌گیری الگوهای رفتاری صحیح در فرزندان به شمار می‌آید و نقش مهمی در سلامت معنوی آن‌ها ایفا می‌کند. به منظور اینکه فرزندان بتوانند الگوهای مطلوبی که والدین ارائه می‌دهند را بپذیرند و یا خود والدین را به عنوان الگو قرار دهند، وجود احترام متقابل میان والدین می‌تواند به تقویت اعتماد و مقبولیت والدین در نظر فرزندان کمک کند. این اعتماد و مقبولیت، زمینه‌ساز سلامت معنوی فرزندان خواهد بود و به آن‌ها این امکان را می‌دهد که از ارزش‌ها و رفتارهای مثبت والدین پیروی کنند.

سوم- افزایش عزت نفس فرزندان

عزت در لغت به معنای «عظمت، بزرگواری، ارجمندی، ارج و سرافرازی» (دهخدا، ۱۳۹۰ش، ج ۲، ص ۱۹۸۴؛ عمید، ج ۲، ص ۱۵۸۶) است و عزت نفس به معنای «مناعت و شرافت» (همان) است. روان‌شناسان در تعریف عزت نفس گفته‌اند: عزت نفس عبارت است از «احساس صلاحیت و توانمندی برای مواجهه با چالش‌های زندگی و احساس شایستگی خود برای دستیابی به خوشبختی» (برانندن، ۱۳۹۵، ص ۵۱ به بعد). از نظر روان‌شناسان، عزت نفس شامل دو بخش اصلی است: باور به توانمندی‌های خود و احترام به خود یا حرمت نفس (همان).

در آموزه‌های قرآنی، عزت نفس یکی از ویژگی‌های بارز هر مؤمن است؛ زیرا با ایمان به غیب، خود را به مبدأ لایتناهی متصل می‌سازد و هرگز حاضر نیست خود را ذلیل کرده و در برابر دیگر مخلوقات خدا، برای دستیابی به خواسته‌های دنیوی خود را تحقیر کند. علاوه بر این، عزت نفس به عنوان یک ویژگی نفسانی، به انسان این امکان را می‌دهد که حوادث دشوار را به خوبی تحمل کند. براساس تعالیم دین اسلام، منبع اصلی عزت، خداوند است و تمامی اشکال عزت از او ناشی می‌شود. این ارتباط معنوی و اعتقادی با خداوند، به تقویت حس عزت نفس در افراد کمک می‌کند و آنها را در مواجهه با چالش‌های زندگی مقاوم‌تر می‌سازد (رک: گلی، ۱۳۹۴ش، ص ۱۰۵). چنان‌که خداوند در این مورد می‌فرماید: «فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا (فاطر: ۱۰)؛ پس همه عزت‌ها از آن خداوند است» بدین صورت، هنگامی که منبع واقعی عزت خداوند است، کسب عزت از غیر طریق الهی، به هر شکل که باشد، به معنای ذلت است. امام علی علیه السلام نیز فرمودند: «مَنْ اَعْتَزَّ بِغَيْرِ

عَزَّ اللهُ أَهْلَكَهُ الْعِزُّ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶ ش، ص ۴۴۴)؛ کسی که از طریق غیرخدا به عزت برسد، همان عزت (غیرواقعی) او را به هلاکت می‌رساند». براین اساس، مؤمن از انجام کارهای پست و ناشایستی که در شأن انسان‌های باارزش نیست، اجتناب می‌کند و با تحمل دشواری‌ها و ناکامی‌ها، به عزت و سربلندی دست می‌یابد (رک: علی‌پور، ۱۳۸۸ ش، ص ۸۰).

بنابراین عزت نفس، به عنوان یک ویژگی اساسی در آموزه‌های قرآنی، به فرد کمک می‌کند تا با اتکاء به خداوند و احساس توانمندی، در برابر چالش‌های زندگی مقاوم باشد.

طبق آموزه‌های قرآنی و روایی، ارتباط سالم، براساس تکریم شخصیت، عزت نفس و احترام متقابل افراد بنیان‌گذاری می‌شود. روابطی که براین اصول استوارند، افراد را در برابر انحرافات محافظت می‌کنند. در روابط سالم و صحیح میان والدین، هر دو طرف برای خود ارزش بالایی قائل می‌شوند (حسینی، ۱۳۸۴ ش، ص ۳۰). احترام و تکریم، عزت و کرامت را در افراد نهادینه می‌کند و هنجارهای ارزشی، انسانی و معنوی در خانواده و جامعه به جایگاه مناسب خود دست می‌یابند.

یکی از وظایف اساسی والدین، پرورش عزت نفس در فرزندان است. اگر والدین در تعاملات خود این کرامت نفس را حفظ کنند، بدون شک تأثیر تربیتی و معنوی مهمی بر تمامی جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی فرزندان خواهند داشت. هنگامی که فردی به عزت و کرامت نفس دست یابد و برای خود ارزش و جایگاهی قائل شود و حقیقت وجودی خود را بشناسد، به سمت گناه و بی‌عفتی نخواهد رفت. اگر کسی به خود پنداره مثبت و ارزش قابل قبولی برای شخصیت و

هویت خود دست یابد، هرگز حاضر نخواهد شد این اعتبار و ارزش را خدشه دار کند. روان‌شناسان بر این باورند که عزت نفس ما را از اقدام به کارهای نامطلوب بازمی‌دارد و ماهیتی بازدارنده دارد. فردی که برای خود ارزش و اعتبار قائل است، آبروی خود را در معرض خطر قرار نمی‌دهد (ر.ک: پناهی، ۱۳۹۱، ص ۸۸). در نتیجه، اگر والدین با تکریم و احترام متقابل، عزت و کرامت نفس را در فرزندان خود ایجاد کنند، آنها هرگز به سمت رفتارهای نامطلوب گرایش نخواهند یافت؛ زیرا به حیثیت و آبروی خود اهمیت خواهند داد و این امر به سلامت معنوی فرزندان منجر خواهد شد.

چهارم- ایجاد آرامش روحی و روانی

یکی دیگر از نقش‌های احترام متقابل زوجین در سلامت معنوی فرزندان «ایجاد آرامش روحی و روانی» است. آرامش از «سکن» به معنای «سکون، آرام گرفتن بعد از حرکت» است. سکینه به «آرامش قلب و اطمینان خاطر» دلالت دارد (قریشی، ۱۳۸۴ ش، ج ۳، ص ۲۸۲)؛ یعنی آنچه که به دل آرامش و اطمینان می‌بخشد. خانواده، حریم امن و آسایش است، و قطعاً می‌تواند بستری مناسب برای پرورش نسل را فراهم آورد، اما در صورتی که بین والدین نزاع و درگیری، وجود داشته باشد، آرامش و آسایش از فرزندان سلب می‌شود و سلامت معنوی آنان به مخاطره می‌افتد. مهم‌ترین عامل ایجادکننده نگرانی در فرزندان اختلاف و ستیز بین والدین است (صالحی و دهقانی، ۱۳۹۶ ش، ص ۷). خداوند متعال در این زمینه می‌فرماید:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ

رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (روم: ۲۱) و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند!» خداوند در آیه فوق، علت آفرینش همسر را کسب آرامش بیان نموده و نتیجه این آرامش را عشق و محبت بین همسران می‌داند، و در سایه عشق و مودت، رحمتی است که در خانواده ظهور می‌نماید. علامه طباطبایی رحمته در تفسیر آیه می‌نویسد: «از سیاق آیه برمی‌آید مراد از «مودت و رحمت» در آیه همان مودت و رحمت خانوادگی است» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۱۶۶). این فضای آرام و سالم در خانواده تأثیر بسزایی در سلامت معنوی فرزند دارد. فضا و محیط خانه و خانواده، برای فرزندان مانند دریاست که او باید در آن پارو بزند و پیش برود و تلاش کند تا به مقصود الهی خویش برسد.

براین اساس، پدر و مادر به دلیل نقشی که در سلامت و تعالی خانواده ایفا می‌کنند، هر چه محیط خانه از آرامش و احترام متقابل بین اعضا برخوردار باشد، زمینه بروز فطرت الهی در فرزندان بیشتر فراهم می‌شود، زیرا یکی از عوامل اساسی آرامش در زندگی، احترام متقابل زوجین به یکدیگر است (محمدی ری‌شهری، ج ۱، ۱۳۸۹ ش، ص ۳۹۴). بنابراین، والدین با ایجاد محیطی مملو از آرامش و احترام متقابل در خانواده، زمینه را برای بروز فطرت الهی فرزندان و سلامت معنوی آنان فراهم می‌کنند؛ چرا که احترام متقابل زوجین یکی از عوامل کلیدی آرامش در زندگی است.

ج) نقش سلبی احترام متقابل زوجین در سلامت معنوی فرزندان

احترام متقابل زوجین در خانواده می‌تواند تأثیرات منفی، در راستای سلامت معنوی فرزندان را از بین ببرد؛ که در ذیل مطلب به برخی از اهم موارد آن مانند: جلوگیری از بروز اختلالات روانی و رفتاری (افسردگی - اضطراب و پرخاشگری) و جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی (دوستان ناباب و اعتیاد)، اشاره می‌شود.

اول - جلوگیری از بروز اختلالات روانی و رفتاری

جلوگیری از بروز اختلالات روانی و رفتاری، یکی از مهم‌ترین نقش‌های سلبی احترام متقابل زوجین بر سلامت معنوی فرزندان است. اختلالات رفتاری به دسته‌ای از اختلالات اطلاق می‌شود که با بروز هیجانات منفی مشخص می‌شوند. این اختلالات یا بر خود فرد متمرکز بوده و شامل مشکلاتی همچون گوشه‌گیری، اضطراب و افسردگی است، یا به صورت تعارض با دیگران و هنجارهای اجتماعی ظاهر شده و رفتارهای قانون‌شکنانه و پرخاشگرانه را در بر می‌گیرد (ر.ک: احمدی و چلکاسری، ۱۴۰۱ش، ص ۶۹).

روان‌شناسان بر این باورند که هیچ رفتاری به طور ناگهانی بروز نمی‌کند، بلکه نتیجه چندین عامل زمینه‌ساز است. مشکلات رفتاری فرزندان نیز از این قاعده مستثنی نیستند. خانواده یکی از عوامل کلیدی در شکل‌گیری اختلالات رفتاری و معنوی در فرزندان به شمار می‌رود (احمدی و چلکاسری، ۱۴۰۱ش، ص ۷۳).
براین اساس، مشکلات رفتاری فرزندان ناشی از ترکیبی از عوامل مختلف است، که خانواده به عنوان یکی از عوامل اساسی در بروز این اختلالات نقش مهمی ایفا می‌کند. در ادامه به چند مورد از اختلالات مرتبط با سلامت معنوی اشاره می‌شود:

یک- جلوگیری از افسردگی و اضطراب

سلامت معنوی فرزندان یکی از ارکان اساسی رشد و توسعه روانی آنها به شمار می‌رود. در دنیای امروز، با توجه به چالش‌های متعددی که کودکان و نوجوانان با آن مواجه هستند، اهمیت ایجاد یک محیط خانوادگی سالم و حمایتی بیش از پیش احساس می‌شود. حالات روحی انسان‌ها در طول زندگی متغیر است و ممکن است در برخی مواقع شاد، غمگین، بی‌حوصله، مضطرب یا افسرده باشند. در این راستا، پژوهش حاضر به بررسی اضطراب و افسردگی ناشی از بی‌احترامی والدین در محیط خانواده می‌پردازد. یکی از اقدامات مؤثر والدین برای جلوگیری از بروز افسردگی و اضطراب در فرزندان، ایجاد فضایی سرشار از احترام و محبت در تعاملات خود با یکدیگر است. با تقویت احترام متقابل در خانواده، والدین می‌توانند به سلامت معنوی فرزندان خود کمک کرده و زمینه را برای رشد روانی و عاطفی آنها فراهم نمایند.

افسردگی در اکثر اوقات با علائمی همچون خلق پایین (ناراحتی) نمایان می‌شود. اضطراب حالتی از خلق است که با هیجان منفی شدید در واکنش به وقایع یا شرایط، بوجود می‌آید. اضطراب پدیده‌ای پیچیده‌ای است که از طریق سه سیستم واکنشی وابسته به هم، شامل سیستم‌های جسمی، شناختی و رفتاری نمایان می‌شود (رزیتا، ۱۳۹۴، ش، ص ۷۸). افسردگی و اضطراب، دو اختلال شایع روانی هستند که می‌توانند تأثیرات منفی عمیقی بر سلامت معنوی فرد داشته باشند، بنابراین برای حفظ سلامت معنوی، ضروری است که افراد به شناسایی و مدیریت این علائم بپردازند و در تلاش برای ایجاد محیطی امن در خانواده باشند.

اضطراب و افسردگی غالباً به عنوان دو اختلال مجزا و متمایز از یکدیگر مورد توجه قرار گرفته‌اند، اما در موارد بسیار زیادی مشاهده شده، که این دو اختلال با هم، در فرزندان اتفاق می‌افتد. به عبارت دیگر افسردگی در فرزندان می‌تواند با علائم شدید اضطراب همراه باشد. در بررسی‌هایی که در مورد عوامل موثر بر افسردگی- اضطراب فرزندان انجام شده است مشخص شد که کیفیت خانواده و فضای حاکم بر آن از اصلی‌ترین عوامل رشد افسردگی- اضطراب در فرزندان به شمار می‌آید (صیدی، ۱۳۹۷ش، ص ۱۷۸ و ۱۸۰)، لذا آرامش در محیط خانواده نقش بسزایی در رفع افسردگی و اضطراب میان اعضای خانواده دارد.

به عقیده‌ی روان‌شناسان، خانواده‌های دارای عملکرد نادرست، منبع مهمی در ایجاد فشارهای روانی هستند که می‌تواند منجر به بروز اختلالاتی همچون اضطراب و افسردگی شود و کارکرد خانواده، مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری و یا حفظ این اختلالات است. از این رویکی از مهم‌ترین علت‌های بروز افسردگی در فرزندان را، خصوصیات رفتاری اعضای خانواده به‌ویژه والدین می‌دانند. خانواده‌هایی که دچار بحران هستند، خود امکان بروز نشانه‌های افسردگی و اضطراب در فرزندان را تقویت می‌کند (رزیتا، ۱۳۹۴ش، ص ۷۸). براین اساس، نقش خانواده و به‌ویژه والدین در ایجاد آرامش و جلوگیری از شرایطی که می‌تواند منجر به اضطراب و تنش شود، از اهمیت بالایی برخوردار است.

از طرفی دیگر، خانواده‌هایی که در آنها آسیب روانی والدین، تعارضات شدید، تعاملات ناکارآمد، و نبود احترام متقابل بین والدین به چشم می‌خورد، یا عناصر نامحسوس و ظریف‌تری همچون همسویی بین والدین، ابراز عواطف و ارائه‌ی حمایت در آن‌ها وجود ندارد از کارکرد مناسبی برخوردار نیستند (همان). در

نتیجه بروز مشکلاتی مانند افسردگی و اضطراب که سلامت معنوی فرزندان را به خطر می‌اندازد، در چنین خانواده‌هایی بیشتر است.

فرزندى که همیشه شاهد نزاع و بی‌حرمتی‌های والدینش است، غمگین، افسرده و پراضطراب و بالأخره در اجتماع دچار مشکلات و اختلالات رفتاری می‌شود (عمارلو، ۱۳۹۸ش، ص ۶). چنین فرزندی در غالب عرصه‌ها آسیب‌پذیر بوده و نمی‌تواند ایفای نقش مؤثری داشته باشد.

وقتی خود والدین در وضعیت نامطمئن و پراضطراب قرار داشته باشند، این عدم اطمینان و اضطراب را به فرزندان نیز منتقل می‌کنند. چنین فرزندانى آمادگی ذهنی و روحی لازم را برای یادگیری و درک مطلب ندارند و طبعاً در همه‌ی عرصه‌های زندگی به‌ویژه در تحصیل با مشکلاتی مواجه می‌گردند (لطفی، ۱۳۹۹ش، ص ۵۷۱).

در روایتی حضرت علی علیه السلام نسبت به افسردگی و یکی از راه‌های درمان آن، این‌گونه می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْأَبْدَانُ فَابْتَغُوا لَهَا طَرَائِفَ الْحِكْمِ (لیثی‌واسطی، ۱۳۷۶ش، ص ۱۵۲)؛ همانا این دل‌ها خسته می‌شوند همان‌طور که بدن‌ها خسته می‌شوند، پس برای آنها به دنبال نکات و لطایف حکمت باشید». از این روی یکی از مصادیق سخنان حکمت‌آمیز، پندهای معصومین علیهم السلام است که می‌تواند دل انسان را جلاداده، و برای درمان این آشفتگی‌ها راه حلی ارائه دهد.

علاوه بر تمسک به سخنان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، انسان‌ها باید با الگوگیری از رفتار و کردار این بزرگواران، در مسیر خودسازی و تقویت عملکرد فردی خود گام بردارند. بررسی سیره و سبک زندگی ایشان نشان می‌دهد که آنها به



همسران خود احترام می‌گذاشتند و حرمت یکدیگر را در برابر فرزندان حفظ می‌کردند. این رفتار نه تنها به تقویت روابط خانوادگی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به جلوگیری از بروز افسردگی و اضطراب در میان اعضای خانواده نیز منجر شود. بنابراین، پیروی از این اصول به ارتقاء سلامت معنوی و روانی فرزندان در خانواده کمک قابل توجهی می‌کند.

دو- جلوگیری از پرخاشگری

نقش والدین در اختلالات معنوی فرزندان چشمگیر است. بسیاری از جامعه‌شناسان و روان‌شناسان نیز معتقدند ریشه بسیاری از مشکلات رفتاری و انحرافات شخصیتی در فرزندان، الگوهای معنوی والدین و ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری آنان است. مشکلات خانوادگی اثرات مستقیمی بر تمرکز و توجه فرزند به درس و تحصیل دارد (لطفی، ۱۳۹۹ش، ص ۵۷۱). فرزندان که در خانواده‌های آرام هستند، غالباً در همه زمینه‌ها موفق و رو به پیشرفت هستند، و برعکس فرزندی که در خانواده‌ای ناآرام زندگی می‌کند، غالباً یا منزوی و گوشه‌گیر است و یا در جمع تمایلی به موفقیت در مقابل رقیب‌هایش ندارد.

بسیاری از فرزندان با اختلالات رفتاری، احساسات منفی را تجربه کرده و در تعامل با دیگران بدرفتاری می‌کنند. در بسیاری از موارد، اطرافیان آن‌ها را ترک می‌کنند که این امر موجب از دست رفتن فرصت‌های مناسب برای آن‌ها می‌شود. علاوه بر این، انزوای اجتماعی این افراد می‌تواند منجر به افزایش رفتارهای پرخاشگرانه در آن‌ها گردد. در نتیجه، این مجموعه عوامل آن‌ها را در معرض خطر بروز رفتارهای ضد اجتماعی قرار می‌دهد (احمدی و

چلکاسری، ۱۴۰۱ش، ص ۶۹)؛ چراکه سلامت معنوی این فرزندان دچار اختلال شده و احساس خطر و ناامنی می‌کنند. این احساس موجب بروز رفتارهای پرخاشگرانه می‌گردد.

در خانواده‌هایی که از هم گسسته و نگران هستند و والدین به یکدیگر احترام نمی‌گذارند، فرزندان از روابط عاطفی سالم محروم می‌مانند. به دلیل مشغولیت ذهنی آنها به مسائل جانبی و نامربوط، این فرزندان قادر به توجه و تمرکز کافی نیستند و نمی‌توانند رفتارهای مناسبی از خود نشان دهند (لطفی، ۱۳۹۹ش، ص ۵۷). بنابراین در خانواده‌های ناسالم که والدین به یکدیگر احترام نمی‌گذارند، فرزندان از روابط عاطفی مناسب محروم بوده و قادر به تمرکز و بروز رفتارهای مطلوب نیستند.

والدین باید آگاه باشند که فرزندان بیشتر از طریق مشاهده و تجربه یاد می‌گیرند تا از طریق شنیدن. به عبارت دیگر، تربیت و یادگیری از طریق امر و نهی مکرر، تنبیه و تحقیر به درستی شکل نمی‌گیرد. فرزندان با ضبط تمامی رفتارهای والدین، چه مثبت و چه منفی، و الگوبرداری از آنها، شروع به تکرار آنچه می‌بینند می‌کنند. نکته مهم این است که اضطراب‌ها، نگرانی‌ها، دروغ‌ها و پرخاشگری‌ها نیز از دید فرزندان پنهان نمی‌مانند و در نهایت می‌توانند به مشکلات جدی برای خانواده منجر شوند. (عمارلو، ۱۳۹۸ش، ص ۶) در نتیجه، فرزندان از طریق مشاهده، رفتارهای والدین را یاد می‌گیرند و اضطراب‌ها و نگرانی‌های آنها می‌تواند در آینده به مشکلات جدی برای سلامت جسمی و معنوی خانواده تبدیل شود.

از طرفی اعمال نسنجیده والدین باعث سلب آرامش و در نتیجه تضعیف

سلامت معنوی فرزندان می‌شود. در روایتی رسول اکرم ﷺ به حضرت علی ؑ فرمودند: «لَعَنَ اللَّهُ وَالِدَيْنِ حَمَلًا وَلَدَهُمَا عَلَى عَقُوقِهِمَا (حرعاملی، ج ۲۱، ۱۴۰۹ق، ص ۳۹۰)؛ لعنت خدا بر پدر و مادری باد که فرزند خویش را به عصیان وادارند (که موجبات عاق خود را فراهم نمایند)» یعنی پدر و مادری که با تربیت نادرست فرزند، زمینه را برای نافرمانی او ایجاد کرده و سپس فرزند را عاق کنند، مورد لعن قرار گرفته‌اند. در شرح حدیث گفته‌اند؛ والدین باید از هرگونه عمل و رفتاری که موجب آسیب به ارتباط سالم آنان با فرزندان می‌شود، اجتناب کنند، زیرا این امر زمینه را برای گرایش‌های منفی و خودسرانه در فرزندان فراهم می‌آورد و رابطه سالم را که بسترتربیت، هدایت و راهیابی آنان است، از بین می‌برد (حکیمی، ۱۳۹۵، ج ۱۰، ص ۵۹۰). روشن است که والدین باید با ایجاد محیطی مملو از محبت و احترام، زمینه رشد و تعالی فرزندان را فراهم کنند.

گاهی والدین از رفتار پرخاشگرانه فرزندان شان شکایت می‌کنند، غافل از اینکه خود آنان باعث تحریک خوی پرخاشگری در فرزندان خود هستند؛ زیرا در خانواده‌هایی که نزاع و درگیری وجود دارد و احترام‌ها حفظ نمی‌شود، فرزندان بر همین اساس تربیت خواهند شد و این رفتارهای ناشایست و ناصحیح عیناً در رفتار فرزندان جلوه خواهد یافت. ویژگی‌های نابهنجاری که باعث عوامل جبران‌ناپذیر می‌شود و در نتیجه سبب بروز نابسامانی‌هایی در دوران زندگی آنها خواهد شد. چه بسیار زندگی‌هایی که اثری از آرامش در آنها دیده نمی‌شود، خشونت، نزاع و درگیری گریبان‌گیر آنها شده و گاهی به مرحله جدایی و طلاق کشیده می‌شود (فرجی و میرحسینی، ۱۴۰۰ش، ص ۴۳۱)، که همه این وقایع نشأت گرفته از رفتار والدین و رعایت نکردن حرمت‌هاست. بنابراین، با احترام

متقابل والدین در منظر فرزندان محیطی در خانه شکل می‌گیرد که می‌تواند به حفظ سلامت معنوی فرزندان کمک کند. در صورت برقراری چنین روابطی، از بروز بسیاری از رفتارهای نادرست جلوگیری شده و فرزندان دست به پرخاشگری نخواهند زد. ایجاد محیطی مبتنی بر احترام متقابل موجب سلامت معنوی فرزندان در خانواده خواهد شد.

دوم- جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی

با گسترش روزافزون جامعه و نفوذ گسترده فضای مجازی در زندگی روزمره، طیف وسیعی از آسیب‌های اجتماعی در عرصه‌های حقیقی و مجازی مشاهده می‌شود. یکی از عوامل مهم مؤثر در بروز این آسیب‌ها، عدم رعایت احترام متقابل والدین در خانواده است.

در حقیقت اکثر مشکلات معنوی فرزندان زاییده محیط آشفته خانوادگی است. خانواده‌هایی که والدین آن به طور مداوم در حال جنگ و ستیزند و برای یکدیگر احترام قائل نیستند، گذشته از تأثیر نامطلوبی که در اثر تقلید و همانندسازی بر فرزندان خود می‌گذارند، بدترین محیط روانی برای آنها فراهم می‌آورند. بنابراین فرزندان به دلیل عدم احساس آرامش و امنیت روانی، بیشتر اوقات خود را، در خارج از محیط خانواده می‌گذرانند و در نتیجه راحت‌تر در دام‌هایی که بیرون از خانه منتظر آن‌هاست گرفتار می‌شوند (احمدی و چلکاسری، ۱۴۰۱، ص ۷۴)، که در اینجا به دو مورد از این دام‌ها و آسیب‌هایی که مشکلات معنوی را در پی دارد و سلامت معنوی را به خطر می‌اندازد همچون: دوستی‌های نامناسب و اعتیاد اشاره می‌گردد:

یک- جلوگیری از دوستی‌های نامناسب

وجود دوستان و همسالان ناباب، یکی از عوامل مهمی است که در سلامت معنوی فرزند، آسیب‌زا است. پیوستن به گروه‌ها به ویژه گروه دوستان می‌تواند آثار مخرب و مفید معنوی داشته باشد. گروه به فرزند انمان امتیاز و آرامش می‌دهد و او را در انجام فعالیت‌هایی تشویق می‌کند. در گروه پیروی از قوانین همکاری و رعایت حقوق دیگران آموزش داده می‌شود. نیاز فرزند به گروه باعث می‌شود وی تمام رفتارهایش را برخواست آنها منطبق کند و رفتارهایی که منجر به طردشدگی می‌شود ترک کند. این امر در گروه‌های مثبت، پسندیده و ارزشمند است، اما ممکن است فرزندان مان با گرفتار شدن در گروه‌های منحرف به بیراهه کشیده شوند، زیرا در این مواقع فرد تحت تأثیر شدید احساسات قرار گرفته و افراد را با واقع‌بینی نمی‌سنجد. برای مثال اگر فرد دارای قدرت جسمانی ویژه‌ای باشد و به عنوان رهبر در میان همسالان از شگردها و روش‌های جذب استفاده کند ولی دارای ویژگی‌های مثبت اخلاقی و اجتماعی نباشد، رفتار گروه متأثر از وی به صورت اخلاص‌گری پرخاشگری و زورگویی بروز خواهد کرد (حسین زاده، ۱۳۸۶ش، ص ۱۲۵).

امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «إِحْدَرُ مُجَالَسَةَ قَرِينِ السَّوِّءِ، فَإِنَّهُ يَهْلِكُ مُقَارِنَهُ، وَيُورِدُ مُصَاحِبَهُ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۶۱)؛ از همنشینی با دوست بد پرهیز که دوست بد، همنشین خود را به هلاکت می‌افکند و یار خود را به نابودی می‌کشاند».

در مجموع می‌توان گفت مهم‌ترین الگوی فرزندان پس از والدین، گروه همسالان است. گروه همسالان به فرد، سلوک و روش مستقل زیستن را می‌آموزد و

با سست کردن علاقه‌های عاطفی زندگی خانوادگی و ایجاد پیوندهای جدید اجتماعی زمینه‌های استقلال عاطفی فرزندان را فراهم می‌آورد (حسین زاده، ۱۳۸۶ش، ص ۱۲۵). حال در خانواده‌هایی که با سطح بالایی از درگیری و فقدان احترام متقابل بین والدین مواجه هستند، فرزندان اغلب تمایل به ترک محیط خانه و گذراندن زمان با همسالان خود پیدا می‌کنند. این امر به دلیل ایجاد جوّی نامطبوع و تنش‌زا در خانه و عدم احساس امنیت و آرامش در محیط خانواده است. در چنین شرایطی، عموماً فرزندان نمی‌توانند در انتخاب دوست درست عمل کنند و به سمت دوستان ناباب کشیده می‌شوند که این خود می‌تواند زمینه‌ی انحرافات دیگر را فراهم کند. در خانواده‌هایی که میان والدین روابط احترام‌آمیزی برقرار است فرزندان برای گزینش دوستان لایق از طریق مشورت با والدین، آگاهی‌های لازم و بسترسازی مناسب را از سوی خانواده آموزش می‌بینند. بنابراین جلوگیری از دوستی‌های نامناسب، یکی از نقش‌های سلبی احترام متقابل والدین بر سلامت معنوی فرزندان است.

دو- جلوگیری از اعتیاد

اعتیاد یکی از آسیب‌های اجتماعی مهمی است که احترام متقابل والدین می‌تواند به کاهش آن در فرزندان کمک کند و زمینه‌ساز سلامت معنوی آنان باشد. با ایجاد روابط مبتنی بر احترام و حمایت در خانواده، فرزندان می‌توانند از خطرات اعتیاد دور بمانند و به رشد و توسعه معنوی خود پردازند. اعتیاد را بلای خانمان سوزنام نهاده‌اند؛ ویرانی‌های ناشی از اعتیاد می‌تواند منجر به سقوط بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و اخلاقی شود و سلامت

جامعه را به خطر بیندازد. اعتیاد به معنای تمایل به مصرف مداوم یا متناوب یک ماده برای کسب لذت یا کاهش احساس ناراحتی است، که قطع آن می‌تواند منجر به بروز ناراحتی‌های روانی یا اختلالات جسمانی گردد. در سال ۱۹۵۰، سازمان ملل متحد تعریف ذیل را برای اعتیاد به مواد مخدر ارائه کرد: اعتیاد به مواد مخدر به معنای مسمومیت تدریجی یا حادی است که به دلیل مصرف مداوم یک دارو، اعم از طبیعی یا ترکیبی، ایجاد می‌شود و برای فرد و جامعه زیان‌آور است. فرد معتاد کسی است که به دلیل مصرف مکرر و مداوم، به مواد مخدر یا دارو وابسته شده و به عبارتی دیگر، قربانی هر نوع وابستگی دارویی یا روانی به مواد مخدر به حساب می‌آید (ر.ک: عمارلو، ۱۳۹۸ ش، ص ۹).

اعتیاد یک پدیده چندوجهی است که هیچ‌گاه ناشی از یک عامل واحد نمی‌باشد. عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی، زیستی و فرهنگی به صورت همزمان در ایجاد زمینه‌های مصرف مواد مخدر تأثیرگذار هستند، که در این میان، عوامل خانوادگی به عنوان مهم‌ترین عوامل شناخته می‌شوند. رابطه بین اعتیاد و عملکرد خانواده یک رابطه دوسویه است؛ به این معنا که نه تنها عملکرد خانواده می‌تواند به گسترش اعتیاد منجر شود، بلکه اعتیاد نیز کیفیت زندگی اعضای خانواده را کاهش داده و تأثیرات منفی بر رفتارهای آنان می‌گذارد. اگر الگوهای اعتیادی بدون مداخلات مناسب مدیریت نشوند، این رفتارها می‌توانند از نسلی به نسل دیگر منتقل شوند (صالحی و دهقانی، ۱۳۹۶ ش، ص ۹). بنابراین اعتیاد فرزندان از اموری است که می‌تواند از خانواده نشأت گرفته و بر سلامت معنوی او اثر گذارد.

به عبارت دقیق‌تر می‌توان گفت، اختلافات در خانواده از علل مهم گرایش

افراد به ناهنجاری‌ها و اعتیاد است. افراد پرورش یافته در خانواده‌های نابسامان و از هم گسیخته زمینه‌های بیشتری در گرایش به انحراف و اعتیاد دارند. هر قدر فرزندان شاهد درگیری‌ها و نزاع‌های بیش از حد والدین خود قرار گیرند و هیچ‌گونه محبتی را بین والدین احساس نکنند، به اعتیاد روی می‌آورند. همچنین والدین هر قدر دارای رابطه انسانی و محبت‌آمیز باشند و فرزندان از لحاظ عاطفی و نوع روابط اعضای خانواده رضایت داشته باشند، به همان میزان از گرایش به سوی اعتیاد رویگردان خواهند شد (نحوی، ۱۳۸۸ش، ص ۶۱).

بنابراین زمانی که محیط خانواده به عنوان یک فضای مناسب برای زندگی عمل نکند، فرد تمایل دارد زمان بیشتری را در خارج از خانه سپری کند. این رفتار می‌تواند ارتباط او را با افرادی که به دنبال رفتارهای انحرافی هستند، تسهیل کند. همچنین، باید به این نکته توجه کرد که هرچه میزان ستیزه‌ها و تنش‌های خانوادگی افزایش یابد، احتمال گرایش افراد به مصرف مواد مخدر و سایر انحرافات اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود.

نتیجه‌گیری

در آموزه‌های قرآنی بسیار به اهمیت احترام متقابل زوجین و نقش اساسی آن بر سلامت معنوی فرزندان پرداخته شده است. زوجین با رعایت کردن احترام یکدیگر در مقابل فرزندان، زمینه‌های رشد اخلاقی، الگویی صحیح، افزایش عزت نفس، ایجاد آرامش روحی و روانی را در سلامت معنوی فرزندان فراهم می‌کنند، زیرا خانواده به عنوان یک نظام متعامل و به هم پیوسته عمل می‌کند و هر یک از اعضای آن بسته به جایگاه و نقشی که دارند، بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند.

والدین به عنوان محور اصلی تعاملات خانوادگی، وقتی که به آموزه‌های اخلاقی و معنوی در روابط زناشویی خود پایبند باشند، می‌توانند الگوهای قابل قبول و ارزنده‌ای برای انتقال مفاهیم و آموزه‌های معنوی به فرزندان خود ارائه دهند. این امر نه تنها به ارتقاء سلامت معنوی فرزندان کمک می‌کند، بلکه موجب افزایش آرامش و عزت نفس در خانواده نیز می‌شود.

۶۵ رعایت احترام متقابل زوجین در محیط خانواده، اختلالات روانی و رفتاری چون: افسردگی- اضطراب و پرخاشگری را در راستای رسیدن به سلامت معنوی فرزندان از بین می‌برد و آن‌ها را از آسیب‌های اجتماعی چون: دوستی‌های نامناسب و اعتیاد محفوظ می‌دارد، چرا که میزان تأثیرگذاری والدین در تربیت معنوی و نگرش فرزندان چشمگیر بوده تا جایی که آنها را از گرایش به ناهنجاری‌ها و انحرافات که سلامت معنوی آنان را به خطر می‌اندازد، باز می‌دارد و در صورت نبود احترام متقابل، والدین نمی‌توانند محیطی را فراهم کنند که زمینه ساز شکل‌گیری شخصیت معنوی فرزندان در شرایط مطلوب باشد و زندگی و آینده فرزندان دچار آسیب‌های جدی و معنوی می‌شود.

فهرست منابع

قرآن

نهج البلاغه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبارالرضا علیه السلام، تهران: نشرجهان، ۱۳۷۸ق.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارصادر، ۱۳۷۵ق.
۳. احمدی، شقایق؛ خانی چلکاسری، فاطمه، نقش خانواده در مشکلات رفتاری نوجوانان، مجله پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، سال چهارم، شماره ۳۳، فروردین ۱۴۰۱ش.
۴. آقامحمدی، جواد، طراحی الگوی خانواده صالح و شایسته و نقش آن در تربیت دینی فرزندان، مجله: بصیرت و تربیت اسلامی، سال سیزدهم - شماره ۳۸، پاییز ۱۳۹۵ش.
۵. براندن، ناتانیل، روان‌شناسی عزت نفس، مترجم: مهدی غراچه‌داغی، تهران: نشر سخن، چاپ چهاردهم، ۱۳۹۵ش.
۶. پناهی، علی احمد، دو اصل اخلاقی شاخص در روابط همسران (حسن معاشرت و پاک‌دامنی همسران)، نشریه معرفت اخلاقی، سال سوم، شماره ۱۱، ۱۳۹۱ش.
۷. پناهی، علی احمد؛ شریفی، احمد حسین، بایسته‌های اخلاقی همسران و نقش آن در تربیت فرزندان، معرفت اخلاقی، سال اول، شماره اول، زمستان ۱۳۸۸ش.
۸. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، محقق: رجائی، سید مهدی، قم: دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۹. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
۱۰. حسن زاده، صالح، عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی، پژوهشنامه معارف قرآنی، شماره ۱۵، زمستان ۱۳۹۲ش.



۱۱. حسین زاده، اکرم، آسیب شناسی تربیت اخلاقی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، کتاب نقد، شماره ۴۲، بهار ۱۳۸۶ ش.
۱۲. حسینی زبیدی واسطی، سید محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالهدایه، ۱۳۸ ق.
۱۳. حسینی دشتکی شیرازی، سیدصدرالدین علی، الطراز الأول، مشهد: مؤسسه آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، چاپ دوم، ۱۴۲۶ ق.
۱۴. حسینی، داوود، راهکار برقراری روابط سالم و سازنده در خانواده، قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۴ ش.
۱۵. حکیمی، محمدرضا و همکاران، الحیاه، قم: دلیل ما، ۱۳۹۵ ش.
۱۶. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، دانشگاه تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۹۰ ش.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، دمشق: دارالقلم؛ بیروت: الدارالشامیه، ۱۴۱۶ ق.
۱۸. رزیتا، امانی، نقش کارکرد خانواده در اضطراب و افسردگی نوجوانان، دوفصلنامه روانشناسی بالینی و شخصیت (دانشور رفتار)، دوره ۱۱، شماره ۲، پیاپی ۲۲، زمستان ۱۳۹۴ ش.
۱۹. زکریا بن حبیب، ابوالحسین احمد بن فارس، مقایس اللغه، بیروت: دارالفکر، ۱۳۹۹ ق.
۲۰. ساجدی، ابوالفضل، کوشا غلام حیدر و دیگران، به سوی آسمان (۱)، سلامت معنوی کودکان با نگرش اسلام (پیش از تولد تا ۱۲ سالگی)، قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی &، ۱۴۰۲ ش.
۲۱. سرفراز، علی، روش های تربیت فرزند، دو فصلنامه دانش پژوهشی «تأمل»، سال

- سوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ ش.
۲۲. سید بابایی، ابوالفضل؛ علی اکبری، راضیه، آسیب شناسی رفتارهای متضاد والدین در تربیت فرزندان، ره‌توشه علمی تخصصی مبلغان (ویژه خانواده)، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۹ ش.
۲۳. سید پور محمدی، راضیه؛ آخوند، نرجس؛ اخلاقی، سکینه، واکاوی شاخصهای اخلاقی خانواده متعالی در بهبود سبک زندگی از منظر قرآن کریم، سال هفدهم، شماره ۵۳، تابستان ۱۳۹۹ ش.
۲۴. شریعتی، سید صدرالدین، صحرائی، فاطمه، بررسی نقش والدین در تربیت عاطفی کودک با بهره‌گیری از سیره امام رضا علیه السلام، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی، سال دهم، شماره ۳۸، تابستان ۱۳۹۸ ش.
۲۵. صالحی، شیوا؛ دهقانی، مرضیه، بررسی نقش خانواده در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی نوجوانان، اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، آسیب شناسی روانی و تربیت، ۱۳۹۶ ش.
۲۶. صیدی، محمدسجاد، نقش رضایت و کیفیت خانواده در کاهش اضطراب و افسردگی کودکان با تعدیل‌گری استرس والدینی، فصلنامه پژوهش‌های مشاوره، جلد ۱۷، شماره ۶۶، تابستان ۱۳۹۷ ش.
۲۷. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
۲۸. عزیزی، فریدون، دانشنامه سلامت معنوی اسلامی، تهران، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی، ۱۳۹۷ ش.
۲۹. علی پور، زهرا، اخلاق زندگی (۱)، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، قم: دفتر عقل، ۱۳۸۸ ش.

۳۰. عمارلو، جواد، بررسی نقش خانواده در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، دومین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی، ۱۳۹۸ ش.
۳۱. غباری بناب باقر؛ راقیبیان رویا، آموزش صبر به کودکان برای ارتقای سلامت معنوی آنان: راهنمای والدین، نشریه فرهنگ و ارتقاء سلامت، شماره ۱، ۱۳۹۶.
۳۲. فتاحی، اسماعیل؛ امینی، عایشه، واکاوی مفهوم و انواع تعریف از سلامت معنوی، فصلنامه مطالعات معنوی، شماره ۱۵ و ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۹۴ ش.
۳۳. فرجی، یوسف؛ میرحسینی، سید محمد، راه‌های افزایش آرامش در قرآن و سبک زندگی اسلامی و تاثیر آن بر تربیت فرزندان، فصلنامه مطالعات قرآنی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، تابستان ۱۴۰۰ ش.
۳۴. فقیهی، علی نقی؛ نجفی، حسن، عوامل تربیت عاطفی فرزندان در خانواده؛ برگرفته از احادیث، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال پنجم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۲ ش.
۳۵. قریشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۴ ش.
۳۶. کراجکی، محمد بن علی، کنز الفوائد، محقق: عبد الله نعمه، قم: دارالذخائر، ۱۴۱۰ ق.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق: غفاری، علی اکبر و آخوندی، محمد، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۳۸. کیخا، زهرا، راهکارهای زندگی مشترک سالم زوجین از منظر آیات و روایات، مدرسه علمیه تخصصی حضرت نرجس علیها السلام زاهدان، ۱۳۹۸ ش.
۳۹. گلی، مهرناز، نقش والدین در پرورش عزت نفس فرزندان و سلامت معنوی آنان از دیدگاه اسلام، فصلنامه تاریخ پزشکی، سال هفتم، شماره ۲۵، زمستان ۱۳۹۴ ش.

۴۰. لطفی، رضا و فاطمه، نقش والدین در بروز اختلالات رفتاری کودکان، فصلنامه علمی رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی، دوره دوم، شماره ۵، زمستان ۱۳۹۹ ش.
۴۱. لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون‌الحکم‌والمواعظ، محقق: حسنی بیرجندی، حسین، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۶ ش.
۴۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحارالأنوار، محقق: جمعی از محققان، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۴۳. محمدی ری شهری، محمد، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، ج ۱، قم: دارالحدیث، چاپ دوم، ۱۳۸۹ ش.
۴۴. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: انتشارات صدرا، چاپ ۴۹، ۱۳۸۵ ش.
۴۵. مقدادی، محمد مهدی، جوادپور، مریم، نقش والدین در ارتقای سلامت معنوی کودکان در اسلام، نشریه تاریخ پزشکی، دوره ۸، شماره ۲۹، ۱۳۹۵ ش.
۴۶. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، تعریب الموسسه الاسلامیه للترجمه، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۸۴ ش.
۴۷. _____، تعلیم و تربیت در تفسیر نمونه، تهیه و تنظیم محمد جواد اسکندرلو، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۹۹ ش.
۴۸. مهیار، رضا، ترجمه کامل المنجد الابدی، ناشر: اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۶ ش.
۴۹. موسوی، صالحه سادات؛ نوری، نجی بالله، آثار احترام بین زوجین در زندگی مشترک، مرکز مطالعات روان شناسی با رویکرد اسلامی، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۹ ش.
۵۰. موسوی، سید محمد حسین، زارعی محمد، رضوی دوست غلام رضا، کوهستانی

طیبه، مهارت‌های ایجاد ارتباط در بُعد فردی و موانع آن با تکیه بر سیره جعفری علیه السلام، انتشارات دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۷ ش.

۵۱. نبی پور، علی، رویکرد متعالی اسلام به حقوق خانواده و نقش آن در تعادل و کارآمدی خانواده، پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده، شماره ۸، بهار ۱۳۹۰ ش.

۵۲. نحوی، سیف‌الله، نقش خانواده در پیشگیری از انحرافات، قم: سازمان تبلیغات اسلامی پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام، انتشارات نورالسجاد، ۱۳۸۸ ش.

۵۳. نفیسی ناظم الاطباء، علی اکبر، فرهنگ نفیس، کتاب فروشی خیام، چاپ دوم، ۱۳۵۵ ش.

۵۴. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل، بیروت: مؤسسه دارالاحیاء، ۱۴۰۸ ق.

۵۵. یوسفی، حبیب‌الله، مبانی و شاخص‌های سلامت معنوی از منظر قرآن و نقد ماده گرایی، آران و بیدگل: پیام امین، ۱۳۹۹ ش.

The Role of Mutual Respect Between Spouses on the Spiritual Health of Children from the Perspective of Quranic Teachings

Anvar Ghaemi¹
Om Al Banin Kouhestani²

Abstract

The spiritual health of children forms the foundation of a healthy society; thus, it is of great importance as it is the source of good deeds by children. In this regard, families, as the main and most important institution responsible for raising children, strengthen the foundations of the future society with their proper educational performance. Since parents have a significant share in the growth of their children, they play an important role in shaping and developing their spiritual personality. Therefore, one of the effective factors in the spiritual upbringing of a child is the dominance of a culture of mutual respect between spouses in the family. This research, using descriptive-analytical methods and revelatory-transmitted discovery, aims to strengthen the family and society's foundation by writing about the positive and negative roles of mutual respect between spouses on the spiritual health of children based on Quranic teachings. Among the most prominent positive roles of mutual respect between spouses on the spiritual health of children are spiritual growth, proper role modeling, increased self-esteem, and creating mental and emotional peace for children. Preventing psychological and behavioral disorders and avoiding social harms are the main negative roles of mutual respect between spouses on the spiritual health of children.

Keywords: Education, Spiritual Health, Mutual Respect, Family, Spouses, Children.

1. Level 3 Student, Field of Exegesis and Quranic Sciences, Specialized Seminary of Hazrat Narges (S.A.), Zahedan.

Email: anvar.ghaemi63@gmail.com

2. Level 4 Student, Field of Comparative Exegesis, Specialized Seminary of Hazrat Siddiq Koberi (S.A.), Qom. Email: o.koohestani14@gmail.com

